

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

قانونه یار
حقوق جزای
اختصاصی (۱)
(جرایم علیه اشخاص)

بر اساس:

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانون
تعزیرات ۱۳۷۵، سایر قوانین متفرقه
جزایی، آراء وحدت رویه، نظرات مشورتی
اداره حقوقی قوه قضاییه، آیین نامه ها و
بخش نامه های مرتبط

مؤلف: میثم مختارزاده

انتشارات چتر دانش

فهرست

۱۱ جرایم علیه اشخاص

۱۳.....	کتاب سوم: قصاص
۱۳.....	بخش اول: مواد عمومی
۱۳.....	فصل اول: اقسام و تعاریف جنایات
۱۳.....	کتاب سوم: قصاص
۷۱.....	فصل دوم- تداخل جنایات
۷۸.....	فصل سوم- شرایط عمومی قصاص
۱۱۵.....	فصل چهارم- راه‌های اثبات جنایت
۱۳۴.....	ادله اثبات در امور کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
۱۵۰.....	فصل پنجم- صاحب حق قصاص
۱۸۲.....	فصل ششم- شرکت در جنایت
۲۰۰.....	معاونت در جنایات
۲۱۵.....	فصل هفتم- اکراه در جنایت
۲۲۳.....	«اجبار» در جنایات (جرایم علیه اشخاص)
۲۲۹.....	بخش دوم- قصاص نفس
۲۳۶.....	بخش سوم- قصاص عضو
۲۳۶.....	فصل اول- موجب قصاص عضو
۲۴۴.....	فصل دوم- شرایط قصاص عضو
۲۶۱.....	بخش چهارم- اجرای قصاص
۲۶۱.....	فصل اول- مواد عمومی
۲۸۲.....	مواد ۲۱ الی ۲۳ قانون مبارزه با مواد مخدر
	آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مورخ ۲۷/۳/۱۳۹۸
۲۹۳.....	رییس قوه قضائیه
۳۱۴.....	فصل دوم- اجرای قصاص نفس
۳۱۹.....	فصل سوم- اجرای قصاص عضو
۳۲۵.....	بخش اول- مواد عمومی

۳۲۵.....	فصل اول- تعریف دیه و موارد آن.....
۳۲۵.....	کتاب چهارم- دیات.....
۳۳۲.....	فصل دوم- ضمان دیه.....
۳۳۶.....	فصل سوم- راههای اثبات دیه.....
۳۴۳.....	فصل چهارم- مسئول پرداخت دیه.....
۳۶۵.....	فصل پنجم- مهلت پرداخت دیه.....
۳۶۹.....	موجبات ضمان.....
۳۹۳.....	قانون مدنی (مواد ۳۲۸ الی ۳۳۵).....
۳۹۴.....	قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹.....
۳۹۷.....	قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵.....
۴۱۷.....	در خصوص جنایات غیر عمد و جرایم رانندگی.....
۴۱۷.....	موادی از قانون تعزیرات.....
۴۶۹.....	فصل هفتم- تداخل و تعدد دیات.....
۴۷۹.....	بخش دوم- مقادیر دیه.....
۴۷۹.....	فصل اول- دیه نفس.....
۴۸۹.....	فصل دوم- قواعد عمومی دیه اعضاء.....
۵۰۱.....	فصل سوم- دیه مقدر اعضاء.....
۵۰۱.....	مبحث اول- دیه مو.....
۵۰۶.....	مبحث دوم- دیه چشم.....
۵۱۰.....	مبحث سوم- دیه بینی.....
۵۱۵.....	مبحث چهارم- دیه لاله گوش.....
۵۱۸.....	مبحث پنجم- دیه لب.....
۵۲۱.....	مبحث ششم- دیه زبان.....
۵۲۴.....	مبحث هفتم- دیه دندان.....
۵۲۹.....	مبحث هشتم- دیه گردن.....
۵۳۱.....	مبحث نهم- دیه فک.....
۵۳۳.....	مبحث دهم- دیه دست و پا.....

۵۳۸.....	مبحث یازدهم- ديه ستون فقرات، نخاع و نشيمنگاه.....
۵۴۲.....	مبحث دوازدهم- ديه دنده و ترقوه.....
۵۴۶.....	مبحث سيزدهم- ديه ازاله بکارت و افضاء.....
۵۴۹.....	مبحث چهاردهم- ديه اندام تناسلی و بيضه.....
۵۵۳.....	مبحث پانزدهم- ديه پستان.....
۵۵۵.....	فصل چهارم- قواعد عمومی ديه منافع.....
۵۵۸.....	فصل پنجم- ديه مقرر منافع.....
۵۵۸.....	مبحث اول- ديه عقل.....
۵۶۱.....	مبحث دوم- ديه شنوایی.....
۵۶۳.....	مبحث سوم- ديه بينایی.....
۵۶۶.....	مبحث چهارم- ديه بویایی.....
۵۶۸.....	مبحث پنجم- ديه چشایی.....
۵۷۰.....	مبحث ششم- ديه صوت و گويايي.....
۵۷۳.....	مبحث هفتم- ديه ساير منافع.....
۵۷۵.....	فصل ششم- ديه جراحات.....
۵۸۴.....	فصل هفتم- ديه جنين.....
۵۹۰.....	فصل هشتم- ديه جنایت بر ميت.....

سایر جرائم علیه اشخاص (شخصیت معنوی) ۵۹۵

۵۹۷.....	بخش اول - توهين
۵۹۸.....	فصل اول- توهين ساده.....
۶۰۲.....	فصل دوم- توهين مشدد يا توهين به مقامات دولتی.....
۶۰۵.....	فصل سوم- توهين به مقدسات و توهين به اديان.....
۶۰۹.....	فصل چهارم- توهين به امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری.....
۶۱۱.....	فصل پنجم- هجو يا توهين ادبی.....
۶۱۳.....	فصل ششم- توهين به زنان و اطفال.....
۶۱۶.....	فصل هفتم- توهين مطبوعاتی.....
۶۳۱.....	فصل هشتم- توهين در قانون جرایم نیروهای مسلح.....

۶۳۳.....	فصل نهم- توهین به رئیس کشور خارجی
۶۳۵.....	فصل دهم- توهین با منطوق قذف
۶۴۸.....	بخش دوم- افترا
۶۴۹.....	فصل اول- افترای قولی
۶۵۳.....	جرم افترای قولی
۶۵۳.....	در قوانین متفرقه کیفری
۶۵۴.....	از قانون تعزیرات ۱۳۷۵
۶۵۴.....	فصل دوم- افترای عملی
۶۵۶.....	از قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ با اصلاحات بعدی ۱۳۸۹
۶۵۸.....	فصل سوم- قذف
۶۷۲.....	فصل چهارم- نشر اکاذیب
۶۹۰.....	بخش سوم- تهدید و اکراه
۶۹۱.....	فصل اول- أخذ سند یا نوشته به عنف با تهدید و اکراه
۶۹۳.....	فصل دوم- تهدید به قتل یا ضررهای دیگر
۶۹۷.....	فصل سوم- تهدید با چاقو یا سلاح دیگر
۶۹۹.....	فصل چهارم- تهدید در قانون جرایم رایانه ای
۷۰۴.....	بخش چهارم- جرایم علیه آزادی افراد
۷۰۵.....	فصل اول- سلب آزادی افراد ناشی از تقصیرات مقامات و مأمورین حکومتی
۷۲۰.....	فصل دوم- آدمربایی
۷۳۰.....	فصل سوم- طفلربایی
۷۳۲.....	قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳
۷۴۵.....	بخش پنجم- جرایم علیه حریم خصوصی افراد
۷۴۶.....	فصل اول- هتک حرمت منزل یا مسکن اشخاص
۷۵۹.....	فصل دوم- مزاحمت تلفنی
۷۶۲.....	فصل سوم- افشای اسرار حرفه‌ای
۷۶۴.....	قوانین متفرقه کیفری در خصوص جرم افشای اسرار حرفه‌ای
۷۶۶.....	فصل چهارم- هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی

۷۷۷	بخش ششم - جرایم جنسی مستوجب حد
۷۸۳	فصل اول - زنا
۷۹۷	فصل دوم - لواط، تفخیز و مساحقه
۸۰۲	فصل سوم - قوادی
۸۱۳	بخش هفتم - جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی

۸۲۵ قوانین متفرقه کیفری

۸۲۶	قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا مرگ مغزی مصوب ۱۳۷۹ با آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۱
۸۲۸	قانون سقط‌درمانی مصوب ۱۳۸۴
۸۲۹	قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار مصوب ۱۳۲۰
۸۳۳	قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸
۸۳۵	قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳
۸۳۷	لایحه قانونی راجع به مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه... مصوب ۱۳۳۶
۸۳۸	قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲
۸۶۴	قانون قاچاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۹۰
۸۶۸	قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۰
۸۷۹	قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸
۸۹۰	قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴
	قانون و مقررات مربوط به امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی
۸۹۶	قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۲۳ فروردین ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی
۹۰۸	

۹۱۴ فهرست منابع

۹۱۹ قوانین و مقررات

پیش‌گفتار چاپ اول

تقدیم به

جامعه حقوقی کشور
و سپاس از اساتید دوران تحصیلم

با توجه به استقبال دانشجویان و داوطلبان آزمون‌های حقوقی اعم از کارشناسی‌ارشد، دکتری، وکالت، قضاوت و غیره... و همچنین وکلا و قضات محترم از کتاب قانون‌یار حقوق جزای عمومی که در سال ۱۳۹۸ به چاپ سوم رسیده و درخواست این عزیزان و توصیه برخی از اساتید بزرگوار نسبت به ارائه کتابی در زمینه «حقوق جزای اختصاصی»، «آئین دادرسی کیفری» و «جرم‌شناسی» اینجانب را بر آن داشت که این موضوع را در حد توان و بضاعت علمی به صورت گام به گام برآورده سازم لذا در مرحله نخست کتاب «قانون‌یار حقوق جزای اختصاصی ۱ (جرایم علیه اشخاص)» را به صورت جامع و کامل به همراه قوانین و مقررات مرتبط، آرا و نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور و به انضمام سئوالات تستی آزمون‌های حقوقی و سئوالات تألیفی استاندارد توسط نگارنده با پاسخ کاملاً تشریحی تألیف نمودم و در آینده به امید خدا و یاری دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و اساتید محترم که همیشه با ارائه نظرات علمی و تخصصی و نقدهای به‌جا و منصفانه بنده حقیر را مورد لطف خویش قرار داده‌اند کتاب جزای اختصاصی ۲ (جرایم علیه اموال و مالکیت) را تألیف و تدوین نمایم. در پایان بر خود لازم می‌دانم از کلیه کسانی که بنده را در تهیه این اثر یاری نمودند تشکر و قدردانی کنم.

میثم مختارزاده

وکیل پایه یک دادگستری

دانش‌آموخته حقوق جزا و جرم‌شناسی

دانشگاه علامه طباطبائی

تابستان ۱۳۹۸

کتاب سوم - قصاص بخش اول - مواد عمومی فصل اول - اقسام و تعاریف جنایات

ماده ۲۸۹- جنایت بر نفس، عضو و منفعت بر سه قسم عمدی، شبه عمدی و خطای محض است.

نکته ۱- در حقوق جزای اختصاصی ارکان هر جرم و کیفر مخصوص آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهند. در حقوق جزای اختصاصی ۱ یکی از مباحثی که مورد بررسی قرار می‌گیرد بحث «**جنایات**» است. **رکن قانونی** بحث جنایات و مجازات‌های مختص آن بیشتر^۱ در مواد ۲۸۹ الی ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مطرح می‌باشد. **رکن مادی** جنایات یا جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص که جزء جرایم مقید می‌باشند به نظر دکتترین حقوقی دارای اجزاء زیر است: الف) رفتار فیزیکی اعم از فعل یا ترک فعلی که به صورت مادی و غیرمادی به نحو مباشرت یا تسبیب خود را نمایان می‌سازد. ب) شرایط و اوضاع احوال موجود (مثل انسان بودن مجنی‌علیه). ج) وقوع نتیجه حاصله. که در شرح مواد بعدی به تفصیل به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت. **رکن روانی یا معنوی** جنایات، اعم از جنایات بر نفس و مادون نفس همان رکنی است که از باب غلبه^۲ در ماده ۲۸۹ ق.م.ا جنایات را بر سه نوع عمد، شبه عمد و خطای محض تقسیم شده‌اند.

نکته ۲- در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جنایت بر نفس و منفعت بر ۳ نوع است:^۳

عمدی، شبه عمدی، خطای محض^۴

در فقه این تقسیم‌بندی بر اساس عنصر روانی است:

قتل عمد ← قصد فعل + قصد نتیجه به زبان ساده «هم می‌خواهد بزند و هم می‌خواهد بکشد»/

۱- چرا که در برخی از قوانین دیگر از جمله قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مثل مواد ۶۱۴ و ۶۱۶ ق. تعزیرات نیز بحث «جنایات» مطرح است.
۲- این که گفته می‌شود از «باب غلبه» چون مواردی وجود دارد که جنایت عمدی است اما نیازی به قصد و عنصر روانی ندارد مثل بند «ب» و «پ» ماده ۲۹۰ ق.م.ا

۳- سابقه تقنینی تقسیم‌بندی جنایات در قالب مهمترین مصداق آن یعنی قتل در نظام قضایی ایران به این صورت بود که قانون‌گذار پیش از انقلاب نخستین بار در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و اصلاحی ۱۳۵۲ مطابق مواد ۱۷۰، ۱۷۱ و ۱۷۷ قانون مذکور چهار نوع قتل: عمد / غیر عمد / در حکم عمد و / ناشی از تقصیر را پیش‌بینی کرده بود. در قوانین پس از انقلاب اولین بار قانون‌گذار در قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب شهریور ماه ۱۳۶۱ قتل را به سه نوع عمد، شبه عمد و خطا تقسیم کرده بود. که در آذرماه ۱۳۶۱ کمیسیون امور قضایی مجلس در تکمیل ماده ۲ این قانون در بحث دیات قتل‌های غیر عمد را به چهار نوع «خطای محض»، «خطای شبه‌عمد»، «به منزله خطای محض» و «به منزله خطای شبه‌عمد» تقسیم کرد. سپس بعد از الغای مقررات قبلی قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ ابتدا در ماده ۲۰۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ در مقام احصاء انواع قتل‌ها آن‌ها را به عمد، شبه عمد و خطا تقسیم کرد اما در مواد بعدی از قتل‌های «به منزله خطای محض»، «در حکم خطای محض»، «در حکم شبه‌عمد» و «قتل خطای محض» در حکم شبه‌عمد» نیز نام برد. (مرادی، حسن، ۱۳۹۶ «حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص (جنایات)» نشر میزان، چاپ اول: ص ۴۳ الی ۴۶)

۴- دکتر حسین آقایی‌نیا معتقدند که این تقسیم‌بندی ناقص است و یک قسم مهم یعنی جنایت ناشی از تقصیر باید در این تقسیم جای می‌گرفت نه این‌که آن را داخل در جنایت شبه‌عمدی قرار دهیم و قرار دادن جنایت ناشی از تقصیر در بحث جنایت شبه‌عمدی کار ناصحیحی است.

«نمی‌خواهد بزند ولی رفتار مادی ایشان نوعاً کشنده است و ایشان به آن آگاه می‌باشد.» / «نمی‌خواهد بزند رفتار هم نوعاً کشنده نیست ولی به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه مثل بیماری، پیری و ... آگاه است» + شرایط مقرر در ماده ۲۹۰ ق.م.ا.

(البته در مرز بین قتل عمد و شبه عمدی با توجه به وسیله نوعاً کشنده و وضعیت مجنی‌علیه با این که شخص به‌طور مستقیم قصد نتیجه ندارد اما قانون‌گذار با اعتبار دادن به این موارد، آن‌ها را قتل عمدی محسوب نموده است. و در برخی موارد با این که شخص هم قصد فعل دارد و هم قصد نتیجه مثل کشتن شخص به اعتقاد این که مهدورالدم است اما قانون‌گذار آن را شبه عمدی محسوب نموده است.)

قتل شبه عمد ⇨ «قصد فعل دارد- قصد نتیجه ندارد» به زبان ساده «می‌خواهد بزند ولی نمی‌خواهد بکشد. و رفتار هم نوعاً کشنده نیست.» + شرایط مقرر در ماده ۲۹۱ ق.م.ا.

قتل خطای محض ⇨ «نه قصد فعل و نه قصد نتیجه» به زبان ساده ⇨ «نه می‌خواهد بزند و نه می‌خواهد بکشد.» + شرایط مقرر در ماده ۲۹۲ ق.م.ا.

نکته ۳- در خصوص معنای لغوی «جنایت» در فرهنگ فارسی عمید ذیل لغت جنایت آمده است که «مصدر عربی می‌باشد در معنای گناه کردن، مرتکب گناه شدن و تبهکاری نمودن» جنایت در لغت به معنای گناه کردن، بزه کردن، تباه‌کاری و گناه بزرگ آمده است. در ترمینولوژی حقوق، جنایت به گناه کردن معنا شده است و در ادامه معنای آن آمده که این کلمه معرب است و از کلمه فارسی گناه گرفته شده است. در فقه و ادبیات عرب کلمه جنایت در معانی متفاوتی به کار رفته است. که در ذیل به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت:

۱- «الجنایة لغة اسم لما یکتسب من الشر» یعنی جنایت در لغت عبارت است از نام هر بدی که انسان مرتکب می‌شود. عبدالقادر عوده در کتاب التشریح الجنائی الاسلامی جلد دوم و محمد بن ابن همام در شرح فتح القدیر جلد هشت چنین معانی را برگزیده‌اند.

۲- این سیده در کتب الافصاح جلد یک جنایت را به معنای جرم و گناه دانسته است.

۳- «(الجنایة) فی اللغة: عبارة عن ایصال المکره الی غیر المستحق» یعنی جنایت در لغت عبارت است از بدی کردن نسبت به کسی که سزاوار آن نباشد.^۱

نکته ۴- در قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰ قانون‌گذار با تفکیک بین قصاص نفس و قصاص عضو، احکام هر کدام را به صورت مجزا و در دو بخش بیان کرده بود که گاه، برخی از احکام آن با هم، همپوشانی داشت و همین، موجب تکرار برخی مواد می‌شد؛ اما قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با تحت شمول قرار دادن نفس، عضو و منفعت در عنوان کلی «جنایات» از این نقیصه، به دور مانده است.

نکته ۵- در اصطلاح حقوقی «جنایت» به معنای گناه و یا اشتباه و خطا استعمال نمی‌گردد بلکه منظور

۱- قبانچی حسام، ۱۳۷۵ جنایت شخص خواب در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰)، دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۴: ص ۶۷.

از جنایت صدمه‌ای است که به تمامیت جسمی و روحی انسان دیگری وارد می‌شود. این صدمه که می‌تواند به صورت عمد یا غیر عمد و همراه با خطای جزایی وارد گردیده باشد جسم و روح شخصی دیگر را مورد هدف قرار می‌دهد و آثار مشهودی را بر وضعیت آن باقی می‌گذارد. از جمله این موارد می‌توان به قتل که حیات فرد را سلب می‌نماید و جرح که جسم فرد را مخدوش می‌نماید اشاره نمود که از جمله جنایات می‌باشند. نکته دیگر این که گاهی جنایت آثار مادی ندارد ولی آثار معنوی آن کاملاً مشهود است مثل ضربه روحی که شخص وارد می‌نماید و موجب زوال عقل شخصی می‌گردد که باید توجه داشت که این امر نیز از جمله جنایات محسوب می‌شود. مفهوم جنایت در حقوق اسلامی با آنچه که در حقوق عرفی از این واژه اراده می‌شود، کاملاً متفاوت است؛ زیرا از نظر حقوقدانان عرفی، جرم بر حسب اهمیت و میزان آثار زیان بار اجتماعی آن به جرایم سبک (خلاف)، نیمه سنگین (جنحه) و سنگین (جنایت) تقسیم می‌شود. حال آن که از دیدگاه فقهی هر فعلی که تمامیت جسمی انسان را به‌طور کلی یا جزئی مورد لطمه قرار دهد و موجب نقص عضو یا سلب حیات گردد عنوان جنایت خواهد داشت. مثلاً در کتاب شرایع الاسلام آمده است: «رَأَيْبُ الدَّالَةِ يَضُونُ مَا تَجْنِيهِ بَيْدِيهَا» یعنی شخص سوار بر مرکب مسئول جنایتی است که حیوان با دو دست خود ایجاد می‌کند.

در فقه اسلامی جنایت دارای معانی اصطلاحی مختلفی است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

- ۱- اعمالی که شرعاً مستوجب حد، تعزیر، قصاص یا دیه باشند. ابن حمزه طوسی از علمای شیعه و ابن رشد از علمای اهل سنت جنایت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «الجنایة ضربان: جنایة علی الغیر و جنایة لا علی الغیر، فالجنایة علی الغیر اربعة اضرب: جنایة علی النفس او علی المال او علیهما معاً او علی العرض ... و الجنایة التي لا تتعلق بالغیر ضربان: شرب الاشربه المحظوره و عمل الخبائث...»
- ۲- اعمالی که به جسم یا جان صدمه وارد کرده و تنها مستوجب قصاص می‌باشند. شیخ طوسی در کتاب «الخلاف» و ابن ادریس در «السرائر» چنین معنایی را برای جنایت در نظر گرفته‌اند.
- ۳- اعمالی که به جسم یا جان صدمه وارد کرده و مستوجب قصاص و دیه می‌باشند. فاضل مقداد در کتاب کنز العرفان و عبدالقادر عوده در کتاب التشریح الجنائی الاسلامی این معنا را برگزیده‌اند.^۱ به نظر می‌رسد قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با توجه به ماده ۴۹۲ ق.م.ا همین معنای اصطلاحی شماره ۳ را در نظر گرفته است: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آن که به نحو مباشرت یا تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود.» قانون‌گذار تعریفی از جنایت بر نفس منافع ارائه نداده است اما در ماده ۳۸۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ جنایت بر عضو را این‌گونه تعریف کرده است: «جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل، مانند قطع عضو، جرح و صدمه‌های وارد بر منافع است.»

نکته ۶- برخی از حقوقدانان معتقدند که جنایت بر نفس یا قتل عمد منحصر به این سه نوع نیست و

۱- قپانچی حسام، ۱۳۷۵ جنایت شخص خواب در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰)، دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۴: ۶۸.

اقسام دیگری هم وجود دارد از جمله «در حکم شبه عمد» و «به منزله خطای محض»^۱.

نکته ۷- جنایت جرمی است که موضوع آن انسان در مفهوم عام (انسان زنده، جنین، میت) و تحقق آن موکول به وقوع آسیب بر حیات یا تمامیت جسمانی یا منافع است.^۲ منظور از جنایت بر نفس قتل نفس می‌باشد و «جنایت بر عضو» آسیب عضوی کمتر از قتل را در بر می‌گیرد. «جنایت بر منفعت» نیز به معنای آسیب‌هایی از قبیل از بین بردن شنوایی و بویایی است، با توجه به ماده ۳۸۷ ق.م.ا می‌توان گفت جنایت بر منفعت مصداقی از جنایت بر عضو است. همچنین به نظر می‌رسد ماده مذکور ضرب‌هایی را که آثاری چون سیاه‌شدگی، قرمز شدن و کبودی در بدن ایجاد می‌کند را نیز شامل می‌شود زیرا ذکر قطع عضو و جرح در این ماده از باب تمثیل است.^۳

در ضمن جنایت به اعتبار نتیجه جرمی است مقید به نتیجه که حسب موضوع نتیجه متفاوت خواهد بود.

نکته ۸- تعریف فقهی قتل عمد (شهید اول) ﴿هُوَ إِذْ هَأَيْتُ النَّفْسِ الْمَعْصُومَةَ الْمَكَافِئَةَ عَمْدًا وَ عَدْوَانًا﴾- تعریف حقوقی قتل عمد ﴿هر رفتاری که از انسان بالغ و عاقل صورت پذیرفته و موجب سلب عمدی حیات از انسان محقون الدم دیگری بدون مجوز قانونی شود.﴾^۴ با وجود این که تعاریفی از قتل عمد هم از سوی فقها و هم حقوقدانان ارائه شده اما قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از چنین تعریفی استفاده نمی‌کند و حتی به جای «قتل» از واژه «جنایت» استفاده کرده و تنها به ذکر مصادیق آن (جنایت عمدی، شبه عمدی و خطای محض) و تفکیک آن‌ها از یکدیگر بسنده می‌کند.

نکته ۹- ملاک تقسیم‌بندی این ماده را باید در روایات جستجو کرد. اما با نگاهی به روایات می‌توان دریافت که روایت‌ها نیز مبنای تقسیم‌بندی را بر حسب حکم عقل و عرف بیان کرده‌اند؛ پس تقسیم‌بندی مزبور در واقع یک تقسیم‌بندی عرفی است.^۵

نکته ۱۰- مقصود از جنایت در فقه جزایی نوع خاصی از اتلاف است و اختصاص به اتلاف کیفری ندارد و حتی به اتلاف اموال از سوی حیوانات نیز جنایت گفته می‌شود.^۶

۱- گلدوزیان، ایرج ۱۳۸۸ محشای قانون مجازات اسلامی انتشارات مجد ذیل ماده ۲۰۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰.

۲- آقایی‌نیا، حسین ۱۳۹۲ حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، نشر میزان پاییز، چاپ هشتم، ص ۱۸.

۳- مصدق، محمد ۱۳۹۷ «شرح قانون مجازات اسلامی» (قصاص) جلد چهارم، انتشارات جنگل، جاودانه: ص ۳۰.

۴- الهی منش، محمدرضا، مرادی اوجقاز، محسن ۱۳۹۲ حقوق کیفری اختصاصی (۱) / جرایم علیه اشخاص - انتشارات مجد - چاپ اول

۵- زراعت، عباس ۱۳۹۳ شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، انتشارات ققنوس چاپ شمشاد جلد اول چاپ سوم: ص ۳۸۹.

۶- میرسعیدی، سیدمنصور، ۱۳۷۳، «ماهیت حقوقی دیات» نشر میزان: ص ۲۳.

ماده ۲۹۰- جنایت در موارد زیر **عمدی** محسوب می‌شود:

بند «الف»: هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.

بند «ب»: هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هرچند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.

بند «پ»: هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن درخصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آن که مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

بند «ت»: هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آن که فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند این که در اماکن عمومی بمب‌گذاری کند.

تبصره ۱- در بند (ب) عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی است مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

تبصره ۲- در بند (پ) باید آگاهی و توجه مرتکب به این که کار نوعاً نسبت به مجنی‌علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

نکته ۱- در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بند «الف»، «ب» و «ج» ماده ۲۰۶ ق.م.ا مصادیق قتل عمدی را تشکیل می‌داد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار تقریباً همان مصادیق را البته با تغییراتی به عنوان مثال در آگاهی نسبت به کار نوعاً کشنده بیان نموده است. همچنین یک مصداق دیگر هم به جنایات عمدی اضافه کرده است و آن بند «ت» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد ﴿ هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آن که فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند این که در اماکن عمومی بمب‌گذاری کند.﴾

نکته ۲- قانون‌گذار در بندهای «الف» و «ت» ماده ۲۹۰ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ به تیع ماده ۱۴۴ این قانون^۱ قصد را در ارتکاب رفتار مجرمانه ضروری دانسته است. با این تفاوت که قصد در بند «الف» هدفدار و در بند «ت» غیر هدفدار است.

نکته ۳- برخی از حقوقدانان این اقدام قانون‌گذار را در ماده ۲۹۰ ق.م.ا. که موارد و مصادیق جنایات عمدی را مشخص می‌کند قابل دفاع نمی‌دانند و معتقدند مقنن می‌بایست مثل قوانین گذشته و منابع فقهی مصادیق قتل عمدی را مشخص می‌نمود و سپس موارد کلی همچون صدمات علیه عضو را به آن ارجاع می‌داد.^۲

نکته ۴- مهم‌ترین مصداق این نوع جنایت قتل عمدی است. قتل عمد آن است که کسی با قصد قتل یا فعل نوعاً کشنده، (یا سایر موارد تصریح شده در قانون) جان دیگری را از بدنش خارج کند.^۳ محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام در تعریف قتل عمدی می‌فرماید: «و هو إزهاق النفس المعصومة المكافئة عمداً و عدواناً» یعنی قتل عمدی عبارت است از اخراج نفس و روح معصوم و مکافئه انسان به نحو عمد و عدوان به وسیله شخص دیگر. نظیر این تعریف را پرفسور گارو حقوقدان فرانسوی ارائه کرده است: «قتل عمدی سلب حیات ارادی حیات است از شخصی به وسیله شخص دیگر بدون مجوز قانونی»^۴

ضابطه جنایت عمدی در کتب فقهی مختلف مشخص شده است (ضابطه العمد أن یکون عامداً فی فعله و قصده) یعنی قاعده در عمد بودن قتل این است که قاتل هم قصد فعل و هم قصد نتیجه را داشته باشد. به این معنی که فعل کشتن را عمداً انجام داده و منظورش هم کشتن باشد. یا کاری را که نوعاً کشنده است انجام دهد.^۵

امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «یتحقق العمد بلاشکال بقصد القتل بفعل یقتل بمثله نوعاً، و ان لم یقصد القتل، بل الظاهر تحققه بفعل لایقتل به غالباً رجاء تحقق القتل کمن ضربه بالعصا برجاء القتل فاتق ذلک»^۶

ضابطه جنایت عمدی در قانون طبق ماده ۱۴۴ ق.م.ا. و ماده ۲۹۰ ق.م.ا. که در هر ۴ بند تقریباً یکسان است:

۱- علم به موضوع

۲- قصد در رفتار

۳- قصد در رفتار نسبت به مجنی‌علیه

۱- ماده ۱۴۴- در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

۲- پور بافرانی، حسن ۱۳۹۲ حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)- انتشارات جنگل چاپ اول.

۳- زراعت، عباس، ۱۳۹۲، منبع پیشین: ص ۳۹۱.

۴- گلدوزیان، ایرج ۱۳۸۸ «بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰» نشر میزان چاپ اول: ص ۱۰

۵- نایب‌زاده، اکبر ۱۳۹۴، ترجمه جواهرالکلام، بخش دیات (جلد اول)، انتشارات خرسندی، چاپ اول: ص ۲۵.

۶- شامیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۴، حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، چاپ نهم، نشر ژوبین و مجد: ص ۸۱.

است و در ماده ۲۹۰ ق.م.ا نیز قانون‌گذار ضوابط دیگری را هم در نظر گرفته است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

عنصر قانونی جنایت عمدی در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (ماده ۲۰۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰) آمده است. در این ماده سه نوع ضابطه جهت عمدی محسوب کردن قتل ذکر شده است:

۱- قتل عمدی به معنی خاص آن، که در بند «الف» ماده ۲۹۰ ق.م.ا مشخص شده است. در این بند قصد مستقیم قتل یا ایراد صدمه جسمانی مد نظر قانون‌گذار بوده است. بدین معنی که در بند «الف» ماده ۲۹۰ ق.م.ا مهم قصد قتل می‌باشد و توجه به وسیله به کار رفته در قتل که نوعاً کشنده باشد یا نه اهمیت ندارد.^۱

به نظر اکثر حقوقدانان بند «ت» ماده ۲۹۰ ق.م.ا جایگاه مستقلی نسبت به بند «الف» ندارد و در واقع این بند توضیح یکی از مصادیق مذکور در بند «الف» است.

با توجه به ضابطه تحقق جرایم عمدی که در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی بیان شده یعنی مرتکب جرم یا جنایت می‌بایست علاوه بر علم به موضوع، قصد در ارتکاب جنایت را داشته باشد لذا بند «الف» ماده ۲۹۰ ق.م.ا دقیقاً بر این ضابطه منطبق است.

۲- قتل عمدی با انجام فعل نوعاً کشنده، که در بند «ب» ماده ۲۹۰ ق.م.ا به آن اشاره شده است. در این بند قانون‌گذار قصد تبعی مطلق را به عنوان یکی از ضابطه‌های جنایت عمدی در نظر گرفته است.^۲ منظور از عمل نوعاً کشنده در جنایات عمدی ایجاد صدماتی است که گاه به اعتبار وسیله و آلت به کار رفته در قتل و گاه به اعتبار حساسیت موضع اصابت در مورد هر انسان متعارفی موجب سلب حیات از مجنی‌علیه گردد.^۳

تفاوتی که بین بند «ب» ماده ۲۹۰ قانون جدید و بند «ب» ماده ۲۰۶ قانون سابق وجود دارد این است که در مقررات قانون مجازات اسلامی قانون‌گذار به استناد تبصره ۱ ماده ۲۹۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ اثبات عدم آگاهی و توجه را در حالت کلی بر عهده مرتکب گذاشته و در مواقعی که موضع آسیب دارای حساسیت بالا باشد و این حساسیت بالا غالباً شناخته‌شده نباشد اثبات آگاهی و توجه مرتکب با دادگاه و شاکی است.

صاحب شرایع الاسلام در خصوص قتل عمدی با فعل غالباً کشنده، بیان می‌دارد: «یتحقق العمد، بقصد البالغ و العاقل الی القتل بها یقتل غالباً ولو قصد القتل بها یقتل نادراً فاتفق القتل فالاشبه القصاص» صاحب جواهر در توضیح و شرح عبارت فوق بیان می‌کند: «بل و بقصد الضرب بها یقتل غالباً عالملاً به، و ان لم یقصد القتل...» یعنی قتل عمدی تحقق پیدا می‌کند به قصد انجام ایراد ضرب از ناحیه فاعل

۱- میرمحمد صادقی، حسین، ۱۳۹۳، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، چاپ هفدهم: ص ۱۱۱ الی ۱۱۷.

۲- همان: ۱۱۸.

۳- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۸ منبع پیشین: ص ۲۵.

جرم نسبت به شخص دیگر به وسیله چیزی که معمولاً کشنده است.^۱

۳- ضابطه قتل عمدی با توجه به شرایط مجنی‌علیه و یا اوضاع و احوال زمانی و مکانی، در بند «پ» ماده ۲۹۰ ق.م.ا بیان شده است. بند «پ» این ماده بازگو کننده قصد تبعی نسبی می‌باشد.^۲

در این ضابطه فعل مرتکب جنایت عمدی، نسبت به انسان‌های معمولی نوعاً کشنده نیست و از جهات اصابت به موضع حساس نیز نوعاً کشنده محسوب نمی‌شود ولی به اعتبار شخصیت مجنی‌علیه مثل کهولت سن یا بیماری و سایر شرایط و اوضاع و احوال زمانی و مکانی نسبت به این شخص غیر قابل تحمل محسوب شده و منتهی به مرگ می‌گردد.^۳

نکته ۵- در بررسی جنایات عمدی یکی از نکات مهم بررسی رکن مادی است و در جنایات دو جزء اصلی رکن مادی که الزاماً باید وجود داشته باشند: ۱- موضوع و ۲- رفتار است. در تعریف موضوع گفته شده آن چیزی است که رفتار بر آن واقع شده است. موضوع در قتل اساساً ۴ ویژگی دارد: الف) موجودیت انسان ب) زنده بودن انسان پ) ویژگی‌های انسان ت) هویت حقوقی و کیفری انسان. اما در تحقق قتل عمد علم به زنده بودن انسان از سوی مرتکب کافی است و نیازی به علم مرتکب به سایر ویژگی‌ها نیست در رکن مادی رابطه استنادی بین رفتار و نتیجه هم باید احراز شود.^۴ رابطه استنادی خود به دو نوع رابطه علیت و رابطه سببیت تقسیم می‌شود که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

نکته ۶- نکات مربوط به بند «الف» ماده ۲۹۰ ق.م.ا

۱. مقتن در بند «الف» دو ضابطه قتل عمدی را که عبارت است از: (عامداً فی فعله و عامداً فی قصده) را پذیرفته است.
۲. منظور از «فرد معین» در بند «الف» ماده ۲۹۰ ق.م.ا شخصی است که مورد هدف‌گیری بوده نه کسی که لزوماً هویت مورد نظر او را داشته است، به عبارت دیگر همان‌طور که در قسمت دوم بند «الف» معین بودن از لحاظ «هویت» شرط عمدی محسوب شدن عمل نیست در قسمت اول ماده نیز قطعاً منظور مقتن همین بوده است.^۵
۳. در قسمت دوم بند «الف» در معنی واژه «جمع» لزوماً باید جمع خاصی مدنظر مرتکب باشد تا وی قاتل عمد محسوب شود مثل کسی که چاهی را در معبری حفر می‌نماید تا مثلاً جمع سی نفره‌ای که مدنظر اوست و فرقی نمی‌کند چه کسی از آن جمع باشد از آن بگذرد و درون آن افتاده و بمیرد.
۴. بند «الف» ماده ۲۹۰ ق.م.ا به قصد صریح و معین اشاره نموده است. و در جایی که قصد قتل وجود دارد دیگر لزومی به بررسی کشنده یا غیر کشنده بودن عمل نیست.

۱- ولیدی، محمد صالح، ۱۳۹۲ بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات جنگل: ص ۴۱۵.

۲- میر محمد صادقی، ۱۳۹۳، منبع پیشین: ص ۱۲۱.

۳- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۸، منبع پیشین: ص ۲۶.

۴- آقایی‌نیا، حسین، ۱۳۹۸ «تحولات قتل عمد در قانون مجازات اسلامی» سخنرانی در همایش برگزار شده توسط کانون وکلای قزوین.

۵- میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۹۳، منبع پیشین: ص ۱۰۶.

۵. به نظر می‌رسد منظور از کلمه «معین» این نیست که قاتل حتماً تمام مشخصات و هویت شخص را بداند بلکه معین بدین معناست که قاتل همان شخصی را بکشد که قصد کشتن او را داشته است.
۶. بمب گذاری در اطلاق محل استقرار «A» اگر منجر به قتل افرادی شود که مرتکب هرگز خواهان جنایت علیه آن‌ها نبوده، عمدی محسوب می‌شود. زیرا امکان تفکیک آن‌ها در رابطه با قدرت انفجار وجود ندارد و همه آن‌ها یک هدف معین محسوب می‌شوند. بنابراین، معین بودن فرد یا افراد یا یک جمع، محبوس در قصد مرتکب که فقط ناظر بر هدف خاص باشد نیست. بلکه دامنه شمول رفتار او نیز باید لحاظ شود.
۷. منظور از واژه «معین» در بند «الف» ماده ۲۹۰ ق.م.ا معین هدفی است و نه هویتی، یعنی همین که مرتکب هدف عمل مجرمانه خود را مشخص کرده باشد و صدمه به همان شخص بخورد، جنایت ارتكابی عمدی خواهد بود حتی اگر مرتکب در تشخیص هویت قربانی خطا کرده باشد، بند «الف» مذکور موردی را جنایت عمدی می‌داند که «مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد...»
۸. در بند «الف» ماده ۲۹۰ ق.م.ا صرف قصد در رفتار مجرمانه بدون آن که متمرکز بر فرد معین باشد، از شمول عمد خارج است. بنابراین رانندگی بدون پروانه و سرعت غیر مجاز که منجر به تصادف با عابری می‌گردد، و مرگ او را در پی دارد. نمی‌توان قتل را عمدی دانست. چرا که مرتکب جرم فاقد قصد در رفتار نسبت به مجنی علیه است.^۱
۹. واژه «نظیر» در بند «الف» ماده ۲۹۰ ق.م.ا در مورد قتل موضوعیت ندارد و لذا اگر کسی قصد قتل داشته باشد ولی رفتار ارتكابی منتهی به آسیب به عضو شود، نمی‌توان مرتکب را مشمول واژه «نظیر» دانست و محکوم به قصاص نفس نمود و یا اگر قصد صدمه بر عضو داشته باشد، ولی رفتار ارتكابی منتهی به قتل شود، به دلیل آن که قتل و جرح نظیر یکدیگر نیستند و مرتکب قصد قتل نداشته است، علی‌الاصول نمی‌توان مرتکب را مشمول بند «الف» دانست مانند آن که مرتکب به قصد ایراد جرح یک ضربه چاقو به دیگری بزند و مجنی علیه که مبتلا به بیماری هموفیلی است فوت کند. جنایت مقصود در این مثال قتل [منطبق با بند الف] نیست (البته امکان دارد با آگاهی و علم به این بیماری مشمول بند «پ» باشد). و در عین حال قتل، نظیر جنایت مقصود یعنی جرح هم نیست. لذا از شمول حکم بند «الف» ماده ۲۹۰ خارج است.^۲ پس اگر جنایت حاصله با جنایت مقصود متفاوت باشد و در عین حال نظیر جنایت مقصود هم نباشد، مورد را باید از شمول بند «الف» خارج دانست. بنابراین شلیک گلوله از سوی سرباز در میدان تیر به طرف سیبل و با قصد قتل، اگر اتفاقاً به کسی که در دید نیست (غیر از جنایت مقصود یا نظیر آن) اصابت کند و منتهی به مرگ او شود قتل عمدی محسوب نخواهد شد.^۳

۱- آقایی‌نیا، حسین ۱۳۹۲، منبع پیشین، ص ۷۶.

۲- همان: ص ۸۲.

۳- همان.

نکته ۷- نکات مربوط به بند «ب» ماده ۲۹۰ ق.م.ا

۱. منظور از کار نوعاً کشنده در جنایات عمدی ایجاد صدماتی است که گاه به اعتبار وسیله و آلت به کار رفته در قتل و گاه به اعتبار حساسیت موضع اصابت در مورد هر انسان متعارفی موجب سلب حیات از مجنی‌علیه گردد. یعنی آلت گاه به اعتبار موضع اصابت کشنده است و گاه خود آلت ماهیتاً کشنده است.
۲. بند «ب» ماده ۲۹۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ بر خلاف بند «ب» ماده ۲۰۶ ق.م.ا سابق، اماره نوعاً کشنده بودن را اماره نسبی دانسته است که خلاف آن قابل اثبات می‌باشد.^۱
۳. با توجه به این بند شخص حتی اگر قصد قتل نداشته باشد اما قصد ایراد صدمه شدید را به دیگری داشته باشد و قربانی بمیرد او قاتل عمدی محسوب می‌شود. به عنوان مثال اگر X به قصد شوخی Y را که شنا نمی‌داند به داخل استخر عمیق بیندازد و Y به این دلیل بمیرد X قاتل عمدی محسوب می‌شود. این بند مشمول قصد تبعی مطلق یا قصد غیر مستقیم ناشی از کشنده بودن رفتار می‌باشد. (استفاده از واژه «قصد تبعی» تنها یک فرض و اعتباردر بند «ب» و «پ» ماده ۲۹۰ ق.م.ا است و نگارنده کتاب حاضر بر این عقیده است که در عالم واقع تنها در بند «الف» قصد جنایت وجود دارد.)
۴. یکی از تفاوت‌های بند «ب» ماده ۲۹۰ ق.م.ا با بند «ب» ماده ۲۰۶ ق.م.ا سابق این است که مقنن در قانون جدید آگاهی و توجه مرتکب را به کار نوعاً کشنده یا موجب جنایت شرط تحقق قتل عمدی یا جنایت عمدی دانسته است. و لذا سیاست جنایی تقنینی قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تحدید دامنه شمول جنایت عمدی در بند «ب» ماده ۲۹۰ ق.م.ا می‌باشد.
۵. در بند «ب» با توجه به این‌که قصد تبعی قتل در آن به صورت مطلق بیان شده است و آگاهی مرتکب نسبت به انجام آن مفروض در نظر گرفته شده است لذا بنا به تصریح قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۲۹۰ ق.م.ا بار اثبات عدم اطلاع (یعنی آگاهی/توجه) بر عهده مرتکب قرار دارد. البته قانون‌گذار در این بند هم در خصوص بار اثبات بر عهده مرتکب یا مدعی قائل به تفکیک شده است یعنی اگر جنایت به علت حساسیت بالای موضع آسیب نباشد و یا حساسیت زیاد شناخته شده باشد. طبق حکم فوق بار اثبات برعهده مرتکب است. اما اگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب باشد و این حساسیت ناشناخته باشد در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.
۶. مطابق رأی وحدت رویه شماره ۴۶۶۸ مورخ ۱۳۳۶/۹/۷ مقصود از کلمه آلت مذکور در ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ اصلاحی ۱۳۵۲ وسیله‌ای است که مرتکب به کار برده و به مرگ منتهی

- شده باشد و اعم است از این که وسیله مزبور معمولاً کشنده باشد و یا آن که از جهت حساس بودن موضع اصابت، به مرگ مجنیّ علیّه منتهی گردد و محدود ساختن قسمت آخر ماده مزبور به موردی که آلت، عرفاً قتاله شناخته شود موافق با منظور ماده مزبور نیست.
۷. علاوه بر جرایم مادی صرف مثل «صدور چک پرداخت نشدنی» بند «ب» و «پ» ماده ۲۹۰ ق.م.ا نیز نیاز به قصد و سوء نیت ندارند و در واقع این‌ها استثنائی بر ماده ۱۴۴ ق.م.ا می‌باشند. (البته باید این نکته مدنظر قرار گیرد که آگاهی و توجه به فعل نوعاً کشنده با رکن روانی جرم متفاوت است).
۸. دو نمونه از آراء اصراری دیوان عالی کشور در خصوص تشخیص فعل نوعاً کشنده
- الف- رأی اصراری ۷-۱۳۸۴/۶/۱۱ ردیف ۱۴/۸۴ (شعب کیفری):** با توجه به اقرار متهم مبنی بر پرتاب یک قطعه سنگ لبه دار به ابعاد ۷×۷ سانتی متر از فاصله ۳ یا ۴ متری و اصابت آن به ناحیه خلف سری مرحومه ... که منجر به شکستگی استخوان جمجمه و خونریزی سخت شامه مغز و مرگ آنی مشارالیها شده، از نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی اصراری شعب کیفری دیوان عالی کشور، عمد وی در فعل (زدن ضربه با سنگ لبه‌دار به سر مقتول) که عملی نوعاً کشنده است و انطباق عمل را با بند «ب» ماده ۲۰۶ (بند ب ماده ۲۹۰) ق.م.ا ایجاب می‌کند محرز است.
- ب- رأی اصراری ۱۱-۱۳۷۸/۵/۱۹ ردیف ۱۳/۷۸ (شعب کیفری):** نظر به این که قصد قتل منتفی و علت خونریزی ناشی از جرح وارده به قسمت داخلی ران است که نوعاً کشنده نیست و بر این اساس قتل هوشنگ... از نوع شبه عمد می‌باشد صدور حکم به قصاص نفس قاتل به استناد بند «ب» ماده ۲۰۶ (بند ب ماده ۲۹۰) ق.م.ا که در مورد قتل عمدی قابلیت اجرا دارد منطبق با مقررات و موازین نیست.
- نکته ۸- نکات مربوط به بند «پ» ماده ۲۹۰ ق.م.ا**
۱. این بند اشاره به **قصد تبعی نسبی یا قصد ناشی از شرایط مجنیّ علیه** دارد. با توجه به این بند گفته می‌شود که مجرم باید قربانی را آن‌گونه که هست بپذیرد. برای مثال اگر بزه‌دیده که دارای قلب ضعیفی است در اثر حمله مجرم و آگاهی وی نسبت به قلب ضعیف او بمیرد در این‌جا مجرم نمی‌تواند رابطه سببیت را به قلب ضعیف بزه دیده تسری دهد. بلکه باید قربانی را به عنوان انسان دارای قلب ضعیف و بیمار بپذیرد و در نتیجه مسبب مرگ وی تلقی شود.
۲. منظور از واژه «**به علت**» در بند «پ» ماده ۲۹۰ ق.م.ا ضرورت احراز رابطه علیت میان رفتار ارتكابی و نامتعارف بودن مجنیّ علیه از یک سو و وقوع جنایت ناشی از آن از سوی دیگر است.^۱
۳. منظور از واژه «**خاص**» با توجه به عبارت «... وضعیت خاص مکانی یا زمانی» در بند «پ» ماده ۲۹۰ ق.م.ا به‌طور ضمنی بر مجنیّ علیه خاص یعنی انسان نامتعارف اشاره دارد.^۲
- در ضمن این وضعیت خاص مکانی یا زمانی نشان‌دهنده شرایط بیرونی اثرگذار بر مجنیّ علیه نامتعارف

۱- آقای نیا، حسین ۱۳۹۲ منبع پیشین: ص ۱۰۱.

۲- همان، ص ۱۰۳.